

پیامدهای مخرب شبکه های اجتماعی بر روابط والدین و جوانان

سوگل مومن زاده^۱

چکیده

ظهور و گسترش شبکه های اجتماعی، ساختار سنتی روابط خانوادگی را دگرگون ساخته و زمینه ساز تحولات عمده ای در مناسبات بین والدین و فرزندان، به ویژه جوانان شده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی و با استفاده از منابع جامعه شناسی و ارتباطات، به بررسی پیامدهای مخرب شبکه های اجتماعی بر روابط درون خانوادگی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که کاهش ارتباطات عاطفی، تعمیق شکاف نسلی، تضعیف اقتدار والدین، اعتیاد رسانه ای جوانان و شکل گیری حریم های پنهان مجازی، از جمله اثرات بارز این تحولات است. مقاله در پایان تأکید می کند که برای مواجهه مؤثر با این روند، نیاز به بازسازی الگوهای تربیتی، تقویت سواد رسانه ای خانواده ها و گفت و گوی میان نسلی وجود دارد.

کلیدواژه ها: شبکه های اجتماعی، خانواده، شکاف نسلی، اقتدار والدین، پنهان کاری مجازی.

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهرا شهداد

مقدمه

تحولات فناورانه و رشد چشمگیر ابزارهای ارتباطی دیجیتال، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، شکل تازه‌ای از تعاملات فردی و اجتماعی را در جوامع امروزی رقم زده‌اند. این ابزارهای نوظهور، با امکانات متنوع و گسترش‌پذیر، نه‌تنها الگوهای ارتباطی سنتی را دگرگون کرده‌اند، بلکه ساختارهای بنیادین نهادهایی چون خانواده را نیز با چالش‌هایی عمیق مواجه ساخته‌اند. خانواده، به‌عنوان نخستین بستر جامعه‌پذیری فرد، بیش از هر نهاد دیگری در معرض اثرات شتاب‌زده و همه‌گیر فناوری ارتباطی قرار گرفته است و این اثرگذاری، به‌ویژه در رابطه میان والدین و فرزندان جوان، نمود و حساسیتی مضاعف یافته است.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که در دهه‌های اخیر تحت تأثیر مستقیم فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته، روابط بین‌نسلی و به‌ویژه ارتباط والدین با فرزندان جوان است. نسل جوان که بیشترین بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال را دارد، به‌تدریج هویت، روابط، سبک زندگی و ارزش‌های خود را در بستری متفاوت از محیط خانواده شکل می‌دهد. این تمایز روزافزون در درک واقعیت، زبان ارتباط، و نظام ارزشی، باعث تضعیف درک متقابل، فاصله عاطفی و شکاف رفتاری در روابط خانوادگی شده است. چنین روندی نه‌تنها بنیان عاطفی خانواده را تهدید می‌کند، بلکه کارکرد تربیتی والدین، اقتدار روانی آن‌ها، و نیز نقش الگو بودنشان برای فرزندان را با بحران مواجه ساخته است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن‌روست که خانواده، نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی و اجتماعی ساز در زندگی هر انسان است. ضعف در ارتباط درون‌خانوادگی، به‌ویژه در رابطه‌ی میان والدین و جوانان، پیامدهایی چون بی‌هویتی فرهنگی، تعارض نسلی، افت نظارت اخلاقی، پنهان‌کاری، فردگرایی شدید و کاهش سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت. در چنین شرایطی، شبکه‌های اجتماعی به‌جای آنکه ابزاری در خدمت توسعه تعاملات سالم باشند، خود به‌عنوان جایگزینی ناسالم برای ارتباط انسانی، موجب فروپاشی معنوی روابط خانوادگی می‌گردند. از سوی دیگر، بهره‌برداری نادرست و افراطی از این فضاها، والدین را نیز به حاشیه‌نشینی رسانه‌ای کشانده و فاصله آن‌ها از نسل جوان را بیشتر می‌کند.

ضرورت بررسی پیامدهای این پدیده از آن جهت است که با شناخت علمی و جامعه‌شناختی این آسیب‌ها، می‌توان راهکارهایی مؤثر در جهت تقویت روابط انسانی، بازسازی پیوندهای نسلی و ارتقاء سواد رسانه‌ای والدین و فرزندان ارائه کرد. امروزه سیاست‌گذاری فرهنگی و تربیتی، بدون توجه به کارکردهای دوگانه شبکه‌های اجتماعی - به‌عنوان هم فرصت و هم تهدید - امکان موفقیت در مدیریت خانواده و تربیت نسل آینده را نخواهد داشت. بنابراین، تحلیل علمی پیامدهای این پدیده می‌تواند بستر تصمیم‌سازی‌های راهبردی برای نهادهای آموزشی، فرهنگی، خانواده و رسانه فراهم آورد.

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل پیامدهای مخرب شبکه‌های اجتماعی بر روابط میان والدین و فرزندان جوان، تلاش دارد تا ضمن واکاوی ابعاد ارتباطی، تربیتی، روانی و فرهنگی این اثرگذاری، نشان دهد که چگونه استفاده افراطی یا ناآگاهانه از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به گسست‌های عمیق خانوادگی، کاهش کیفیت ارتباط، افزایش شکاف نسلی و تضعیف مرجعیت والدین منجر شود. این پژوهش همچنین به دنبال آن است تا مشخص کند که شکل‌گیری مرزهای پنهان در فضای مجازی و شکل نوین از حریم خصوصی در میان نوجوانان و جوانان، چگونه نظارت، گفت‌وگو و مشارکت والدین را با مانع مواجه ساخته و زمینه را برای رشد ناسازگاری‌های رفتاری در خانواده فراهم می‌سازد.

پیشینه مطالعاتی نیز گویای آن است که تاکنون تحقیقات متعددی درباره اثرات فضای مجازی بر خانواده، ارزش‌ها و روابط اجتماعی انجام شده، اما اغلب این پژوهش‌ها یا به تأثیر کلی رسانه‌های نوپرداخته‌اند یا تمرکز آن‌ها بر مسائل فرهنگی و هویتی بوده است. برای مثال، برخی پایان‌نامه‌ها به تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده پرداخته‌اند و برخی دیگر نقش رسانه را در شکل‌دهی به هویت جنسی یا سیاسی بررسی کرده‌اند. آنچه این مقاله را متمایز می‌سازد، تمرکز ویژه و مستقیم آن بر پیامدهای مخرب شبکه‌های اجتماعی بر روابط بین والدین و جوانان در بستری ترکیبی از روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات رسانه‌ای است. به‌علاوه، بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع متعدد نظری، تجربی و کاربردی، امکان ارائه تصویری دقیق‌تر از این پدیده را فراهم ساخته است.

در ادامه، با تحلیل مفهومی «شبکه‌های اجتماعی» و «روابط والد - فرزندی»، وارد بخش‌های اصلی مقاله خواهیم شد و هر یک از پیامدهای مخرب این پدیده را در پنج محور اساسی مورد بررسی قرار خواهیم داد: تضعیف ارتباط عاطفی، شکاف نسلی، کاهش اقتدار والدین، اعتیاد رسانه‌ای و گسترش حریم‌های پنهان.

۱. مفهوم‌شناسی

شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی در فضای دیجیتال، بسترهایی تعاملی هستند که به کاربران امکان اشتراک‌گذاری محتوا، تعامل، هویت‌سازی و شکل‌دهی روابط اجتماعی جدید را می‌دهند. این پلتفرم‌ها نظیر اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، تیک‌تاک و پلتفرم‌های مشابه، فراتر از کارکرد اطلاع‌رسانی و سرگرمی، به محیطی برای زیست مجازی روزمره تبدیل شده‌اند.

برخی پژوهشگران، شبکه‌های اجتماعی را ساختارهایی پویا می‌دانند که روابط انسانی را از حالت چهره‌به‌چهره به فرمی مجازی، هم‌زمان، و مبتنی بر «خودنمایی انتخابی» تغییر داده‌اند.^۱ کاستلز معتقد است که فضای سایبر، خود به یک قلمرو زندگی بدل شده که بر ساختار قدرت، هویت، و فرهنگ تأثیر مستقیم دارد.^۲

در تعریفی دیگر، سلیمانی‌پور شبکه‌های اجتماعی را ابزاری برای بازتعریف رابطه فرد با اجتماع می‌داند؛ جایی که کاربر نه تنها مخاطب پیام است، بلکه خود تولیدکننده معنا و هویت نیز هست.^۳ رابینز نیز با تبیین مفهوم "فرهنگ فناورانه"، تأکید دارد که در عصر دیجیتال، مرز میان واقعی و مجازی به شدت کمرنگ شده و ساختارهای سنتی از جمله خانواده، در معرض واگرایی عملکردی قرار گرفته‌اند.^۴

^۱ افتاده، کاربران تولید کننده محتوا، ص ۵۴

^۲ کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۱۰۹

^۳ سلیمانی‌پور، شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها، ص ۳۷

^۴ رابینز، عصر فرهنگ فناورانه، ص ۸۸

با این حال، ماهیت تعاملی این شبکه‌ها به گونه‌ای است که در صورت استفاده افراطی، می‌تواند جای تعاملات انسانی سنتی را بگیرد، «رسانه‌زدگی» را تشدید کرده و فاصله‌گذاری اجتماعی درون خانواده را رقم بزند.^۱ سایت رسمی شرکت مخابرات نیز در گزارشی اذعان کرده است که میانگین استفاده روزانه کاربران ایرانی از شبکه‌های اجتماعی، در برخی گروه‌های سنی (به‌ویژه جوانان) بیش از ۴ ساعت است که این آمار، بالاتر از میانگین جهانی است.^۲

به‌طور کلی، در سطح نظری می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی به‌رغم امکانات بی‌سابقه خود در ارتباط‌سازی سریع و گسترده، اگر در غیاب سواد رسانه‌ای و تربیت ارتباطی استفاده شوند، می‌توانند به عاملی مخرب در روابط خانوادگی تبدیل شوند.

روابط والدین و فرزندان، یکی از مهم‌ترین محورهای انسجام خانواده است. این رابطه، نه‌فقط نقش تربیتی و حمایتی دارد، بلکه الگوی بنیادین در شکل‌گیری هویت، باورها، مهارت‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان محسوب می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی، این رابطه در بستر فرهنگ، ساختار قدرت در خانواده، و فرآیند جامعه‌پذیری تحلیل می‌شود.^۳

میشل آندره خانواده را نهادی می‌داند که هویت‌های فردی و جمعی درون آن ساخته می‌شوند و ارتباط مؤثر والد - فرزند، اصلی‌ترین ستون این ساختار است.^۴ در دیدگاه نوین، خانواده صرفاً بستر زیستی نیست، بلکه حوزه‌ای پویا و انعطاف‌پذیر است که کیفیت روابط آن، تابعی از تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و روان‌شناختی جامعه است.

در دوران معاصر، به‌ویژه با رشد رسانه‌های اجتماعی، روابط بین والدین و فرزندان دچار تغییرات محتوایی و شکلی شده است. نسل جدید، زبان ارتباطی خاص خود را دارد، دغدغه‌های متفاوتی را پیگیری می‌کند و مرجعیت اطلاعاتی‌اش دیگر تنها والدین نیستند، بلکه گستره‌ای وسیع از تأثیرگذاران در فضای مجازی است.^۵

^۱ صدیق‌بنای، آشنایی با شبکه‌های اجتماعی، ص ۲۵

^۲ مخابرات ایران، ۱۳۹۳

^۳ گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۱۴۸

^۴ آندره، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۷۰

^۵ بشیر و افراسیابی، شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان، ص ۴۰

برای برخی جوانان جایگاهی برای استراحت و ارتباط عمیق نیست، بلکه فقط محل فیزیکی حضور است؛ در حالی که دنیای واقعی آنان در صفحات مجازی شکل می‌گیرد.^۱

تحلیل جامعه‌شناختی نیز نشان می‌دهد که این وابستگی رسانه‌ای، بیش از آن که با موضوع سرگرمی یا بیکاری مرتبط باشد، از خلأهای عاطفی، عدم مهارت ارتباطی و عدم رضایت از روابط واقعی ناشی می‌شود. به بیان دیگر، وقتی خانواده نتواند نقش خود را در پاسخ‌گویی به نیازهای هیجانی و اجتماعی جوان ایفا کند، فضای مجازی به صورت ناخودآگاه نقش جایگزین را بر عهده می‌گیرد.^۲

در برخی موارد نیز دیده می‌شود که جوانان برای فرار از فشارهای نظارتی یا محدودیت‌های خانوادگی، به جهان خصوصی خود در شبکه‌ها پناه می‌برند؛ جایی که نه قضاوتی وجود دارد، نه الزام به پذیرش نظم، و نه گفت‌وگویی برای سازش. این فضا، به تدریج ساختار شخصیتی فرد را نیز دچار دگرگونی می‌کند، به گونه‌ای که تاب‌آوری در مواجهه با محدودیت‌های طبیعی زندگی کاهش می‌یابد و روابط خانوادگی به چالشی دائمی تبدیل می‌شود.^۳

اعتیاد رسانه‌ای به‌ویژه در میان نسل جوان، علاوه بر آثار روانی نظیر اضطراب، پرخاشگری پنهان، انزوای طلبی یا سرخوردگی، تأثیر مستقیم بر کیفیت روابط خانوادگی دارد. هرچه وابستگی به ابزارهای دیجیتال افزایش یابد، تمایل به تعامل واقعی کاهش می‌یابد و نقش والدین به عنوان مرجع رفتاری و عاطفی کمرنگ‌تر می‌شود. این وضعیت، خانواده را از یک نهاد پویا و انسانی، به یک فضای زیست‌محور ولی خاموش و فاقد گفت‌وگو بدل می‌سازد.

۲،۵. شکل‌گیری حریم‌های مجازی و پنهان‌کاری

با گسترش روزافزون فضای مجازی، زندگی آنلاین به یکی از بخش‌های ضروری و غیرقابل اجتناب زندگی افراد تبدیل شده است. اما با همه‌گیر شدن این فضا، نگرانی‌هایی نیز در مورد پنهان‌کاری در استفاده از آن به وجود آمده است. افراد به دلایل مختلف، گاهی تصمیم می‌گیرند که برخی از فعالیت‌های آنلاین خود را از دیگران پنهان کنند. این پنهان‌کاری‌ها ممکن است نه تنها بر روابط شخصی بلکه بر سلامت روانی افراد نیز تأثیر بگذارد.

^۱ کی‌مور، دموکراسی و فضای سایبر، ص ۱۴

^۲ کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۷۸

^۳ فتاحی، نقش شبکه‌های اجتماعی، ص ۴۴

یکی از دلایل اصلی پنهانکاری در فضای مجازی، تمایل افراد به حفظ حریم خصوصی خود است. در دنیای دیجیتال امروزی که اطلاعات شخصی به راحتی می‌تواند به اشتراک گذاشته شود، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند از فعالیت‌های آنلاین خود محافظت کنند. این ممکن است شامل پنهان کردن پیام‌های خصوصی، تصاویر شخصی، یا حتی اطلاعات تماس باشد. به ویژه در مواقعی که افراد نگرانی‌هایی در مورد امنیت آنلاین یا دزدی هویت دارند، تمایل به پنهان کردن اطلاعات شخصی افزایش می‌یابد.

دلیل دیگر برای این پنهانکاری، ناتوانی در کنترل کامل آنچه که دیگران می‌بینند و می‌دانند است. با وجود تنظیمات حریم خصوصی در بسیاری از پلتفرم‌ها، همچنان احتمال دسترسی به اطلاعات توسط افراد ناخواسته یا حتی هکرها وجود دارد. بنابراین، بسیاری از افراد احساس می‌کنند که باید از افشای اطلاعات شخصی خود اجتناب کنند تا در معرض خطر قرار نگیرند.^۱

در فضای مجازی، افراد به دلیل وجود استانداردهای اجتماعی خاص، ممکن است احساس کنند که باید خود را در قالبی خاص به نمایش بگذارند. به عنوان مثال، در شبکه‌هایی مثل اینستاگرام یا فیس‌بوک، افراد ممکن است از ترس قضاوت شدن از سوی دیگران، برخی از جنبه‌های زندگی خود را پنهان کنند. این قضاوت‌ها می‌توانند شامل نگاه‌های منفی نسبت به ظاهر فرد، رفتارهای اجتماعی، یا حتی عقاید سیاسی و مذهبی باشند.^۲

این فشار اجتماعی می‌تواند به ویژه برای جوانان و نوجوانان بسیار جدی باشد. در دنیای مجازی، افراد به شدت تحت تأثیر انتظارات اجتماعی و تصویری که از خود به نمایش می‌گذارند، قرار دارند. در نتیجه، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که نظرات یا فعالیت‌های خاص خود را پنهان کنند تا از قضاوت‌های منفی یا فشارهای اجتماعی در امان باشند.^۳

پنهانکاری در فضای مجازی می‌تواند به روابط شخصی و خانوادگی آسیب بزند. افراد ممکن است برای جلوگیری از بروز سوء تفاهم یا حفظ آرامش در روابط خود، برخی از فعالیت‌ها یا ارتباطات

^۱ میناوند، اینترنت و توسعه سیاسی، ص ۲۵

^۲ مهدی‌زاده، اینترنت و حوزه عمومی، ص ۱۴

^۳ کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۹۴

آنلاین خود را از همسران یا دوستانشان مخفی کنند. به عنوان مثال، ممکن است کسی پیام‌هایی را با شخصی دیگر رد و بدل کند، ولی به دلیل ترس از واکنش طرف مقابل، آن را پنهان کند.^۱ در برخی موارد، این پنهانکاری‌ها می‌توانند به کاهش اعتماد در روابط منجر شوند. وقتی که افراد متوجه می‌شوند که به طور عمدی اطلاعاتی از آنها پنهان شده است، احساس خیانت و بی‌اعتمادی می‌کنند که می‌تواند آسیب‌های عاطفی شدیدی به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تحلیل ابعاد مختلف تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط والدین و جوانان نشان می‌دهد که این پدیده، تنها یک ابزار ارتباطی ساده نیست، بلکه ساختار عمیقی از مناسبات اجتماعی، روانی و فرهنگی را بازتعریف کرده است. خانواده، به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، تحت تأثیر حضور پررنگ و بی‌وقفه رسانه‌های نوین، در معرض چالش‌هایی بنیادین قرار گرفته است. این چالش‌ها در اشکال گوناگونی مانند تضعیف ارتباط عاطفی و کلامی، گسترش شکاف نسلی، کاهش اقتدار والدین، وابستگی رفتاری به رسانه‌ها و پنهان‌کاری در روابط خانوادگی نمود یافته‌اند.

در این شرایط، والدین اغلب فاقد مهارت‌های لازم برای تعامل مؤثر با نسل جدید در زمینه رسانه‌ای هستند. از سوی دیگر، جوانان نیز که در فضای مجازی رشد یافته‌اند، مرجعیت تربیتی سنتی را نادیده گرفته و گاه در قالب خودمختاری رسانه‌ای، مسیر تربیتی متفاوتی برمی‌گزینند. این وضعیت، اگر با عدم شناخت متقابل، ضعف گفت‌وگو و نبود برنامه‌ریزی فرهنگی همراه شود، می‌تواند منجر به فروپاشی تدریجی پیوندهای اعتماد، مشارکت و هم‌دلی در خانواده شود. بنابراین، بازنگری در شیوه‌های ارتباطی والدین و جوانان، ارتقاء سواد رسانه‌ای، تقویت نهاد خانواده در عصر دیجیتال، و تربیت فرزندان با محوریت گفت‌وگوی دوطرفه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند پیامدهای منفی این پدیده را کنترل و حتی به فرصت تبدیل کند.

^۱ کی‌مور، دموکراسی و فضای سایبر، ص ۲۷

منابع

۱. دانش، پروانه. (۱۳۸۵)، تلویزیون ماهواره‌ای و هویت جنسی دختران جوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۲. رابینز، وبستر (۲۰۱۲)، عصر فرهنگ فناوریانه از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی، ترجمه مهدی جعفری، چاپ اول، نشر توسعه.
۳. ربانی، رسول و صفائی نژاد، فتحیان (۱۳۹۰)، "فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دین‌داری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه‌ی موردی: شهر دهدشت در سیال"، مجله‌ی پژوهشگاه دانشگاه اصفهان، شماره ۶
۴. روحی، سمیه و داوودی، حسین (۱۳۹۵) مقاله، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی استان همدان، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۳
۵. سایت رسمی شرکت مخابرات ایران، ۱۳۹۳: ۳۱ خرداد
۶. فرخجسته سید هاشم رضا (۱۳۹۳): پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل قشم
۷. کفاشی، مجید، (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره دوم، شماره ۳.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
۹. میشل آندره، (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، تهران، دانشگاه تهران
۱۰. افتاده، جواد. (۱۳۸۸). کاربران تولید کننده محتوا، اساس روابط عمومی ۲ در عصر رسانه-های اجتماعی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی روابط عمومی ۲، تهران: انتشارات کارگزار روابط عمومی.
۱۱. بشیر، حسن؛ افراسیابی، محمدصادق. (۱۳۹۱). بررسی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱۷، بهار، دوره ۵.
۱۲. خانیکی، هادی. (۱۳۸۳). رسانه؛ دمکراسی دیجیتال، فصلنامه رسانه. سال پانزدهم، شماره سوم.

۱۳. خلیلی، محسن؛ کفاشان، مجتبی. (۱۳۸۶). بررسی جامعه انسانی و تأثیر اطلاعات بر آن، مجله الکترونیکی نما. پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، شماره ۱.
۱۴. سلیمانی-پور، روح-الله. (۱۳۹۴). شبکه-های اجتماعی؛ فرصت-ها و تهدیدها، مجله ره-آورد نور. تابستان، شماره ۳۱.
۱۵. صدیق-بنای، هلن. (۱۳۸۷). آشنایی با شبکه‌های اجتماعی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای همشهری.
۱۶. فتاحی، سیروس. (۱۳۹۳). مطالعه نقش شبکه-های اجتماعی در ارتباطات پویا و مفید بین پژوهشگران، مردم و دانشگاه-ها. پایان-نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه.
۱۷. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ترجمه: احد، علیقلیان؛ افشین، خاکباز؛ و حسن، چاوشیان. ویراستار علی، پایا، تهران: طرح نو.
۱۸. کی-مور، ر. (۱۳۹۳). دموکراسی و فضای سایبر، ترجمه: روشندل. فصلنامه رسانه. ویژه-نامه رسانه-ها و حوزه عمومی، شماره ۲۱.
۱۹. مهدی-زاده، سیدمحمد. (۱۳۹۳). اینترنت و حوزه عمومی. فصلنامه رسانه. ویژه-نامه رسانه-ها و حوزه عمومی، شماره ۹۸۸.
۲۰. میناوند، محمدقلی. (۱۳۸۵). اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک، دو فصلنامه پژوهش علوم سیاسی. شماره ۲.
۲۱. نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس. تهران: نشر چشمه.